

« مادر مرا ببوس »

فرزندم !
فرزند برومندم
میدانی امروز روزمادراست
و من بیشتر از هر وقت دگر
دلتنگم
چون تونیستی
جای بوسه های تو روی دستم
خالیست
و آن محبت مقدسی که از تو
بر من حلول میکرد .
بیادم است که میگفتی :
« مادر ، من میروم
میروم تا رسالت خود را برای مادروطن
ادا کنم .
رفتی ، چه صادقانه رفتی
چه عاشقانه
رفتی و دگر برنگشتی
و من
هرسال روزمادر
گل‌های را که کنار بسترم گذاشتی
با سرشک آبیاری میکنم .
فرزندم !
تو رفتی بخاطر آزادی وطن
سر دادی
مگر دیدگان خسته من
هنوز هم
راه پلچرخی و پلگون را
می پایند
که مگر برگردی
و قلب یخزده ام را
بابوسه کودکانه ای گرم بسازی
برگردی و با آن حرفها
به اندیشه ام واداری
که میگفتی :
« مادر مرا ببوس »
« برای آخرین بار »
« که میروم بسوی سرنوشت »

چه سرنوشت افتخار آمیزی
درانتظار تو بود
من از داشتن فرزندی چون تو
بخود میبالم
وتورا برای همیشه
در ژرفترین حصه قلبم
خواهم داشت .

خوب شد
سرنوشت ننگین نداشتی فرزندم
مثل میهن فروشان مادر خطا
وخشوک .

(ناتور رحمانی)